

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال چهارم - شماره سوم - پائیز ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۳

بررسی عناصر سبکی در رباعیات بیژن ارژن

(ص ۱۶۴ - ۱۵۱)

عبدالعلی اویسی کهخا(نویسنده مسئول)^۱، علیرضا رعیت حسن آبادی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۱۸

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۸

چکیده:

رباعی یکی از قالبهای شعر فارسی است که بعلت کوتاهی و ساختار ویژه آن همواره مورد استفاده شاعران قرار گرفته است.

شعر دهه هشتاد ایران شعری است که با دوره‌های پیشین شعری تفاوتی دارد. بارزترین ویژگی شعر دهه هشتاد بیش از توجه به تکنیک، فرم و مفهوم که در دهه‌های پیش برجسته و مطرح بود، توجهی است که شاعران این دهه به خود و مخاطبان کرده‌اند. در این میان رباعی، یکی از قالبهایی بود که تجربه‌هایی جدید را به ادبیات ایران اضافه کرد. بیژن ارژن یکی از شاعران رباعی‌سرای ایران است که در رباعی دهه هشتاد دارای سبک منحصر بفرد است.

در این مقاله سوال اساسی این است که ویژگیهای منحصر بفرد رباعیات بیژن ارژن چیست؟

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی، شعر دهه هشتاد، رباعی، بیژن ارژن، نوآوری.

۱ - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ovisi67@yahoo.com

۲ - دانشجوی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ali_rayat2005@yahoo.com

مقدمه:

رباعی یک قالب کوتاه، اصیل و منعطف در شعر فارسی به حساب می‌آید، که ایجاز و فشردگی در آن به مراتب بیش از دیگر گونه‌های سنتی رعایت و لحاظ شده است. سیر تطور رباعی در سنت ادبی بگونه‌ایست که در مقطع یا مقاطعی دچار رکود و خاموشی شده و در دوره‌ای دیگر در کانون توجه بوده است. افت و خیز رباعی در دوره و زمانهای مختلف، بازتاب دهنده مسیر پر فراز و نشیبی است که این قالب کوتاه و موجز و خوش ساخت، پشت سر گذاشته است.

رباعی، سالهای پیش از انقلاب تا مدتها در حاشیه قرار داشت، و بصورت پراکنده - در کنار دیگر قالبها - مورد توجه و التفات بود. پس از پیروزی انقلاب و همزمان با جنگ تحمیلی، تعدادی از شاعران کلاسیک به قابلیت فرمی و محتوایی رباعی پی بردند و در قالب رباعی طبع آزمایی و آثار قابل ملاحظه‌ای ارائه دادند. منتها اغلب مایه و مضمون رباعی آن دوره - برحسب ضرورت زمانی - رنگ ایدئولوژیک و حماسی و آرمانگرایانه داشت. سالهای ۶۵ الی ۶۶ سالهایی بود که جریان رباعی سرایی در سکوتی موقتی فرورفت و این روند تا جایی ادامه یافت که عده‌ای بحث مرگ رباعی را در سال‌های ۷۶ الی ۷۷ مطرح نمودند. اما در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد و با ظهور سه شاعر توانا، رباعی رونقی دوباره گرفت. بیژن ارژن یکی از این سه شاعر میباشد که دارای سبکی منحصر بفرد در رباعی سرایی است.

در این پژوهش با بررسی عناصر سبک ساز و مختصات سبکی رباعیات ارژن، به معرفی این شاعر به جامعه ادبی پرداخته میشود. روش کار بررسی مورد به مورد رباعیات ارژن در دو کتاب «بی هم شدگان» و «مجموعه اشعار» وی میباشد که با استفاده از آمار توصیفی، ویژگیهای سبکی شعر وی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شده است.

شعر دهه هشتاد

شعر دهه هشتاد ایران شعری است که با دوره‌های پیشین شعری تفاوتی دارد. بارزترین ویژگی شعر دهه هشتاد بیش از توجه به تکنیک، فرم و مفهوم که در دهه‌های پیش برجسته و مطرح بود، توجهی است که شاعران این دهه به خود و مخاطبان کرده‌اند. این توجه باعث ایجاد رویه‌ای معتدل میان جریانهای شعری دهه‌های پیش شده است. رویه‌ای نه آنقدر معناگرا که فرم و تکنیک را از دست دهد و نه آنقدر تکنیک‌گرا که معنا را از دست دهد.

در بررسی رباعی دهه هشتاد، سه صدای منحصر به فرد شنیده میشود. بیژن ارژن، جلیل صفربیگی و ایرج زبردست، صاحبان این سه صدا هستند. در این میان، رباعیات ارژن از لحاظ معاییر ادبی، جایگاهی بالاتر از دو شاعر دیگر دارد.

بیژن ارژن

بیژن ارژن در نهم دی ماه ۱۳۴۸ در کرمانشاه متولد شد. دبیرستان فرصتی برای آشنایی هرچه بیشتر این شاعر با شاعران کرمانشاهی و رباعی بود. وی چند سالی است که بعنوان کارشناس شعر در شورای شعر مرکز موسیقی صداوسیما مشغول خدمت میباشد.

آثار او عبارتند از: «پیراهنی از آه برایت دارم» (سال ۱۳۷۷)، «رنگ انار» (۱۳۸۲). «بی هم شدگان» (۱۳۸۴). «چهل کلید» (۱۳۸۷).

ارژن را میتوان از آن دسته شاعرانی دانست که اعتقاد دارند که زبان شعر همواره باید از زبان مردم عادی جامعه بالاتر باشد. وی در مقابل جریانی که این روزها به استفاده بی‌رویه از گفتار مردم در شعر میپردازند، اعتقاد دارد که به جای اینکه شعر برگرفته از زبان مردم جامعه باشد، می‌بایست تزریق کننده اندیشه و تفکر در جامعه باشد و در این صورت است که شعر ماندگار خواهد شد. (ارژن، ۱۳۸۹)

صداقت شاعر در شعر نیز از دیگر اندیشه‌هایی است که وی بر آن اعتقاد راسخ دارد. ارژن از جمله کسانی است که در سال‌های اخیر به عنوان داور جشنواره‌های معتبری چون جشنواره شعر فجر، جشنواره شعر دفاع مقدس و سایر جشنواره‌های شعری مطرح بوده است.

بررسی عناصر سبکی رباعیات

الف: سطح ادبی: تشبیه

از لحاظ ادبی بارزترین ویژگی رباعی ارژن که میتوان آن را سبک شخصی وی بیان کرد، تشبیهات نو و ابتکاری است. در زیر نمونه‌ای از این تشبیهات نو آورده شده است:

«برگی پرزد انار آویزان شد فانوس سر مزار آویزان شد
پاییز رسید ماهیان سنگ شدند تنگ ماهی به دار آویزان شد» (چهل کلید: ۶۶)

در رباعی فوق نمونه‌ای از یک تشبیه مرکب را مشاهده میکنیم که نحوه آویزان شدن انار از درخت پاییزی را به آویزان شدن فانوس سر مزار تشبیه کرده است و در ادامه مجدداً

طی تشبیهی بی سابقه و امروزی انار را به تنگ ماهی تشبیه کرده است. علاوه بر این ماهی در مصراع سوم استعاره از برگهای پاییزی است که بر سنگها افتاده اند و ماهی در مصراع چهارم استعاره از دانه های سرخ رنگ انار است. شاعر در این رباعی در نهایت ایجاز به تصویرآفرینی پرداخته است و تصویرهای او کاملاً امروزی و تازه است.

«خورشید مسافری که تنها میرفت میرفت و به جستجوی فردا میرفت
خورشید نبود کرم شبتابی بود از تپهٔ سنگ پشت بالا میرفت»
(بی‌همشدگان: ۱۶)

در عبارت فوق نخست خورشید به مسافری تنها تشبیه شده است. سپس طی تشبیهی مرکب غروب کردن خورشید را به بالارفتن کرم شب‌تاب از لاک سنگ پشت تشبیه کرده است. همهٔ ارکان این تشبیه مرکب نو تازه هستند.

«شاید که هزار داستان گم شده است - در نی و هزار همچنان گم شده است
شاید نی چاه کوچک بی‌آبی است که یوسف و بیژنی در آن گم شده است»
(بی‌همشدگان: ۴۶)

در رباعی فوق نی به چاهی تشبیه شده است که یوسف و بیژن در آن گم شده اند. چنین تشبیهی در ادبیات فارسی بی سابقه است.

«در خواب هم انتظار من پیوستست چشمی باز است و چشم دیگر بستست
با پانزده آمدی، مبارک عددیست زیرا که شبیه گنبد و گلدستست»
(ارژن، ۱۳۸۷: ۱۵۲)

رباعی فوق در مدح امام حسن مجتبی(ع) سروده شده است که میلاد ایشان پانزدهم ماه رمضان است. شاعر در این رباعی عدد پانزده را به گنبد و گلدسته تشبیه کرده است. ظاهر نوشتاری عدد ۱۵ شبیه گنبد و گلدسته است.

تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن طرفین

دسته‌بندی دیگری که در بررسی تشبیه در اشعار این شاعر مدنظر است، تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن مشبه و مشبه‌به است. «تشبیه به اعتبار حسی و عقلی بودن مشبه و مشبه‌به چهار حالت دارد. مراد از حسی اموری است که با یکی از حواس پنجگانه چشایی، بینایی، بساوایی، شنوایی و بوایی قابل درک باشد. یعنی بطور کلی وجود مادی داشته باشد. اما مراد از عقلی در اصطلاح علم بیان هر چیزی است که به یکی از حواس خمسه درک نشود و وجود آن ذهنی باشد. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۶)

آنچه که در رباعیات ارژن مشاهده میشود اینست که تشبیه حسی به حسی از بسامد بالاتری برخوردار است و نمونه‌های اندکی (درقیاس با حسی به حسی) از حسی به عقلی و عقلی به حسی دیده میشود.

تشبیه به اعتبار مفرد یا مقید یا مرکب بودن طرفین

در رباعیات ارژن اکثر تشبیهات از نوع مفرد به مفرد و مفرد به مقید هستند که بنظر میرسد با توجه به اینکه این مدل تشبیهات با ایجاز بیشتری نسبت به تشبیه مرکب همراه است، بسامد بالای آنها قابل توجیه است. جدول شماره یک و دو نشان دهندهٔ بسامد انواع تشبیه در رباعیات ارژن است.

جدول شماره یک: بسامد انواع تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین

نوع تشبیه	فراوانی	درصد
حسی به حسی	۹۷	۸۲.۹
حسی به عقلی	۹	۷.۷
عقلی به عقلی	۱	۰.۹
عقلی به حسی	۱۰	۸.۵

جدول شماره دو: بسامد انواع تشبیه به اعتبار مفرد یا مقید یا مرکب بودن طرفین

نوع تشبیه	فراوانی	درصد
مفرد به مفرد	۳۹	۳۵.۱
مفرد به مقید	۶۱	۵۵.۰
مقید به مقید	۸	۷.۲
مقید به مفرد	۳	۲.۷
مرکب	۶	۳۵.۱

هنجارگریزی :

از مهمترین ویژگیهای سبکی رباعیات ارژن که کاملاً منحصر بفرد است ، هنجارگریزی وی از قوانین مرسوم در سرودن رباعی است که این هنجارگریزیها در چند دسته جای میگیرند.

الف: روایتگری

از شگفت‌آورترین هنرمندیهای ارژن در عرصهٔ رباعی، روایتگری و داستانگویی است. کاری که با توجه به فضای محدود رباعی بسیار سخت است. از این لحاظ بیژن ارژن را باید مبتکر روایتگری در رباعی دانست. نمونه‌های زیر روشن‌کنندهٔ این بحث هستند:

: « نان گرم و تازه نمی‌خوای آقا؟ » آن دختر نان فروش دستانش را؛
به سوی همه دراز میکرد و تو در ماشینت به فکر کیک فردا...»
(بی‌همشدگان: ۸۲)

در واقع در رباعی فوق با داستانی کوتاه و مینیمالیستی مواجهیم که شاعر لحظه‌ای از روزگار دخترکی نانفروش را روایت کرده است. نکتهٔ جالب توجه این است که در رباعی فوق شاعر حتی دیالوگ را از زبان دختر و با زبان محاوره بیان کرده است که وارد کردن زبان محاوره در رباعی نیز از هنجارشکنیهایی است که وی بخوبی از عهدهٔ آن برآمده است.

« نان گرم بربری و باربران یک صفحهٔ روزنامه شد سفرهٔ نان
- « شعر و عکس یکی از آنها آنجاست - زیر نان یکی از آنها پنهان. » (همان: ۸۳)

در رباعی فوق شاعر دمی از روزگار باربرانی را روایت کرده است که یکی از آنها شاعر است و اکنون روزنامه‌ای که شعر او را چاپ کرده است، سفرهٔ صبحانه‌شان شده است.

« نقاش، پیاده رو، و یک مرد فقیر آب و رنگ و، نیم رخ زرد و فقیر
نقاش و فروش شاهکاری هنری سرما و گرسنگی و شبگرد فقیر » (همان: ۸۹)

در رباعی فوق تقابل زندگی یک نقاش و یک شبگرد فقیر به تصویر کشیده شده است.

« شب بود و سکوت و گریهٔ دلگیری مییافت صدای زنجیره زنجیری
کودک رفت و... کنار برکه تنهاست افتاده به پشت، سنگ‌پشت پیری! » (همان: ۱۵)

لازم به ذکر است که روایتگری در رباعی پس از انتشار اشعار ارژن توسط شاعران زیادی مورد تقلید قرار گرفت.

ب: ضربهٔ نهایی (مصراع چهارم)

در شعر شاعران قدیمی و در رباعیات آنها، اغلب مصراع چهارم در ناخودآگاه شکل می‌بست و شاعر بر اساس تک مصراع پایانی که مایه و شالودهٔ رباعی به حساب می‌آمد، سه مصراع دیگر را میساخت. تئوری و نظرگاههایی که در رابطه با رباعیات پیشین وجود داشت (و هنوز هم اعتبار دارد)، اغلب بر این اصل استوار است که رباعی موفق، آن رباعی است که مصراع آخر تعیین‌کننده باشد. اگرچه این برداشت را نمیتوان به کل نظام رباعی تعمیم داد

و قائل به نمود و بازنمودهای قطعی و ثابت بود. ولی پایه و بنیان اکثر رباعیات گذشته و امروز بر اساس این تئوری بنا شده است! به عنوان مثال «سیدحسن حسینی» از شاعران اوائل انقلاب که دست توانایی در سرودن رباعی هم داشت، مصراعهای چهارگانهٔ رباعی را به بازی والیبال (سرویس و پاسکاری توپ) تشبیه کرده و مصراع چهارم (ضربهٔ نهایی) در رباعی را به ضربهٔ آخر در والیبال تشبیه میکند که نشان از اهمیت ضربهٔ نهایی در نظر او دارد. در همین رابطه، مولفان کتاب «شعر امروز» وجه اشتراک رباعی امروز و گذشته را اینگونه بیان و توضیح داده‌اند؛ «تمام کنندگی مصراع چهارم و توجه ویژه به ساخت و بافت مصراع چهارم، به نوعی که سه مصراع نخست، زمینه ساز بیان تکان دهنده در مصراع چهارم باشند.»

(باقری و محمدی نیکو، ۱۳۷۲: ۲۲۴-۲۲۲) اما در رباعیات بیژن ارژن این ضربه در تمام ابیات جاری است و رباعیات بسیار زیبایی وجود دارد که عملاً بار معنایی و زیبایی شناسی در تمام ابیات پخش است که به نمونه هایی از این رباعیات اشاره میشود.

«تا چشمه نجوشید سرازیر نشد در ذهن تو رودخانه تصویر نشد با حرف زدن کسی به جایی نرسید با گفتن نان هیچ کسی سیر نشد» (همان: ۸۵)

در رباعی فوق مصراع اول و سوم و چهارم از لحاظ ضربه و زیبایی کاملاً همسطح هستند. در واقع چیزی به عنوان مقدمه چینی در این رباعی کاملاً بی معنی است. حتی رباعی بگونه ایست که میتوان هر مصراع را جدا نوشت بنحوی که از بار معنایی اندکی کاسته نشود.

نمونه ای دیگر:

«خون دهنم ریخته بر پیرهنم من حرف نمیزنم، شنیدن پیداست
بر پیرهنم ریخته رنگ سخنم از دستی که گذاشتی بر دهنم.» (همان: ۴۰)

نمونه ای دیگر:

«بودند چنان که آتش و یخ با هم آن خوب سپید بود و آن زشت سیاه
آنگونه که آفرین و آوخ با هم بر نیمکتی بهشت و دوزخ با هم» (همان: ۴۴)

ب ۱: حالت تعلیق:

یکی دیگر از جلوه های عدم وجود ضربهٔ نهایی در رباعیات ارژن، حالت تعلیق است. حالت تعلیق به این معنا که رباعی با جمله ای پایان می یابد که گویا ادامه ای دارد و شاعر آن را حذف کرده است. نمونهٔ این تعلیق را میتوان در رباعی زیر مشاهده کرد. کلمهٔ «فردا»

در مصراع «امروز تفنگ بود و آتش؛ فردا...» ذهن خواننده را متوجه فردایی میکند که هر اتفاقی در آن ممکن است رخ بدهد و فردا هر اتفاقی رخ دهد در «...» پایان رباعی میتوان آنرا جایگزین کرد.

«تاریک شده است جنگل آدمها / آدمهای کنار هم یا تنها
دیروز درختها سه تار آوردند / امروز تفنگ بود و آتش؛ فردا...» (همان: ۱۰۴)
نمونه‌ای دیگر:

«نه روز نه شب، کجای این دنیا من - باشم که ببینم که تو باشی با من.
هر خورشیدی برای خود روزی داشت / هر ماه برای خود شبی، اما من...» (همان: ۶۵)

لازم به ذکر است که متاسفانه این تکنیک ارژن نیز توسط بسیاری از شاعران مورد تقلید قرار گرفت و باعث شد این تکنیک که در اشعار ارژن اغلب در خدمت مفهومی خاص استفاده شده است، در شعر دیگران به بازی با واژه‌ها تبدیل شود.

ب ۲: ابیات بهم پیوسته و موقوف المعانی:

یکی دیگر از نمودهای عدم وجود ضربه‌نهایی در رباعیات ارژن، موقوف المعانی بودن ابیات است. خاصیت موقوف المعانی بودن ابیات، در رباعیات ارژن بیشتر در خدمت روایتگری است. نمونه‌هایی از این ویژگی در ادامه آورده شده است:

«نان در عوض تفنگ اینجا آدم - از نان و تفنگ و خاک هم چیزی کم
سرباز شکست خورده سمساری پیر / بند پوتینهای گره خورده به هم» (همان: ۱۰۵)
«شبهای روان و ساعت دنیا را... / در شیشه گذاشتند آدمها را
زین روی به آن روی، چه میگردانند / این ساعت کهنه شنی را؛ ما را؟!» (همان: ۹)
«از دوست به جز وفا نمیدانستید / او را از خود جدا نمیدانستید
پایان تمام دوستی‌ها را من - می دانستم شما نمیدانستید» (همان: ۶۲)

ب ۳: تعلیق و موقوف المعانی:

در برخی رباعیات ترکیب دو حالت قبل مشاهده میشود. به این معنا که شعر در انتها دارای حالت تعلیق است و هم ابیات آن موقوف المعانی هستند. اوج عدم وجود «ضربه نهایی در مصراع چهارم» را در این مدل اشعار میتوان مشاهده کرد.

«برشانه من نشستی و دستانت - بستند و به گردنت طنابی. جانت -
با ماندن من بود، مرا تیر زدند / ما کشته شدیم و تن آویزانت...» (همان: ۳۸)

سطح فکری/ساخت محتوایی

در طول تاریخ ادبیات ساخت و شکل ظاهری رباعی هستی عام و عمومیت یافته‌ای داشته است و کمتر در کانون بحث و تعامل قرار می‌گرفت. جوهره ساختی - درونی رباعی بر محور تم و درونمایه استوار است که شکل، در نمایاندن و آشکارگی آن دارای نقش و اهمیت می‌باشد. اما امروز، امروزه پیوند بافتاری ساخت رباعی از نظر اندیشه توسعه یافته که - ضمن حفظ و تعدیل نگاه غنایی و فلسفی - بیشتر به سمت اجتماع و روزمرگی چرخش پیدا کرده است. این مساله در شعر امروز باعث جذب، ذخیره و انتقال اندیشه و موضوعات مختلف در لایه‌های اجتماعی گردیده است. جریان رئال و واقع‌گرایی شعر امروز، بازتاب دهنده عواطف و احساسات شاعران جهت ثبت لحظه‌ها و بیان زمینه‌های فردی - انسانی است، که موجب دگرگونی و تغییر در ساخت محتوای شعر می‌گردد. کنش اجتماعی و نگاه واقع‌گرایانه‌ای که جهان اندیشگی را تغییر داده، و به قالبهای کلاسیک از جمله رباعی سرایت کرده است.

اندوه زیبا

از نظر برون‌گرایی و درون‌گرایی، شعر ارژن درون‌گراست و فضایی غمگین و یاس آور در آن موج می‌زند. «درد تنهایی»، «رنج ناآدمیت آدمها»، «پایان حتمی و تلخ دوستیها» و «گور و مرگ» و ... از غمهای رایج در شعر او است. میتوان این ویژگی سبکی ارژن را «اندوه زیبا» نامید. اندوهی که ناشی از روحیه حساس و درون متعهد شاعر است. این اندوه باعث ایجاد تصاویری بسیار زیبا در شعر او شده است. اتفاقهایی در شعر که تا پیش از ارژن بی سابقه بوده است. نکته‌ای که در این رباعیات به چشم می‌خورد، ساخت واژگانی آنهاست. شاعر در انتخاب واژه‌ها، برای بیان احساسات غمگینانه خود، بسیار هوشمندانه و زیرکانه عمل کرده است و فضای واژه‌ها بسیار سیاه و غم آور است. در واقع واژه‌ها در خدمت اندیشه قرار گرفته‌اند.

با گریه‌ها و خنده‌های کنسرو شده
آواز پرنده‌های کنسرو شده» (همان: ۴۶)
خواهند برید بند از بند، از او
من، تابوتی که می‌تراشند از او» (همان: ۱۰۱)
ماتم زده ای مثل محرم هستیم
ما هم دلمان خوش است آدم هستیم» (همان: ۳۸)

«آدمها زنده‌های کنسرو شده
میزعصرانه، آسمان دلگیر
«این گونه مباش شاد و خرسند از او
تو، تنها آن درخت را می بینی
«بی چاره تر از آدم و عالم هستیم
نه گندمی و نه یار گندمگونی

«بی هم شدگانیم که پیدا هستیم
در دنیای چه قدرها از هم دور
هرجا بومی بود به نام من بود
گورستان قدیمی شهر کجاست؟

پنهان شدگان خواب و رویا هستیم
آدم‌های قدر تنها هستیم» (همان: ۲۴)
هرجا مرگی بود به جام من بود
که سنگ به سنگ آن به نام من بود» (همان: ۱۲۰)

اندیشه سیاسی - انتقادی

در بحث سطح فکری، یکی از مهمترین ویژگیهای سبکی شعر ارژن، اشعاری است که حاوی مضامین بلند سیاسی، اجتماعی، انتقادی است. بیان این اندیشه‌ها در قالب نمادین و به زبان شعر هنری است. بیان حرفه‌ای که بیان مستقیم آنها ناممکن است.

نمونه‌ای از مضامین سیاسی - انتقادی

«پشت سرهم، شبنم گره خورده به هم زنجیر هزار غم گره خورده به هم
پشت بیشه، بوی شغالان کم بود؟ شاخ دوگوزن هم گره خورده به هم» (همان: ۷۰)

که در رباعی فوق، شغالان استعاره از دشمنان خارجی بویژه آمریکا و اسرائیل است و به هم گره خوردن دو شاخ گوزن اشاره به تقابل دو جناح چپ و راست دارد. همچنین می‌تواند اشاره به نزاعی داشته باشد که در برخی نقاط ایران بین شیعیان و برادران اهل تسنن وجود دارد. البته ابهام معنایی و دیرپایی مضامین این رباعیها از ارزش ادبی آن میکاهد.

«دنیای در دست خواب گردانها بود صحرا مسخ سراب گردانها بود
مشتی تخمه دهانشان را بستست این قصه آفتابگردانها بود» (همان: ۵۲)

در این رباعی شاعر، آدم‌های نان به نرخ روز خور را به آفتابگردانهایی تشبیه کرده که یک مشت تخمه دهانشان را بسته است. یک مشت تخمه، استعاره از حق السکوتی است که به این افراد داده شده است.

«انگار به جز ریا نمی باید دید جز صحبت ناروا نمی باید دید
رفتیم به آنجا که نمی باید رفت دیدیم هر آنچه را نمی باید دید» (همان: ۲۶)

در رباعی فوق شاعر اشاره ای دارد به ریای حاکم بر زمان خود.

«هر روز دروغ بیشتر خواهد شد باغ از پی باغ بی ثمر خواهد شد
این شاخه راست هم دروغیست بزرگ فرداست که دسته تبر خواهد شد» (بی‌همشدگان: ۹۹)

رباعی فوق، اشاره به دروغهای فراوان و راستهای دروغین دارد که این روزها در جامعه فراوان دیده و شنیده میشود.

«آن جا که سقوط بال پروازی شد پایان درخت نیز آغازی شد

چرم گاو مقدس هندوها پوتینه‌های سیاه سربازی شد. «چهل کلید: ۱۰۷»
 در رباعی فوق زیرپا رفتن و بی اعتبار شدن مسائل مذهبی به زیبایی و باطنزی سیاه به
 تصویر کشیده شده است. نیز این اندیشه در بیت آخر وجود دارد که حتی مقدس ترین
 چیزها در راه جنگ افروزی و زیاده خواهی آدمها فدا شده است که درد روزگار ماست.
 « گاو وحشی و نیزه‌ها بر گرده کف کرده دهان، خسته و باران خورده
 میدان، باران، پرده قرمز، قرمز گاوزخمی و گاوبازی مرده. «همان: ۱۰۸»

مضامین اجتماعی

شعر ارژن، آینه ای تمام نما از وضع اجتماع خود است. اجتماعی که در آن فقر، تضاد طبقاتی، یاس و سرخوردگی وجود دارد و شاعر که نمیتواند در مقابل اینها سکوت کند. نمونه ای از این مضامین در ادامه آمده است.

«جنگ و جنگل، درخت و آدم پژمرد
 میساخت چقدر نردبان چوبی؟
 آدم این روزها چه سردرگم شده است
 بی آنکه به روزنامه ای فکر کنند
 « افتاد ز دست خسته اش لیوانش
 ماهیگیر پیر که تورش را داد
 آدم چون موریانسه جنگل را خورد
 نجار که جنگ هر دو پایش را برد. «همان: ۱۰۶»
 بی پرسش چند شنبه و چندم شده است
 جدول تنها خواندنی مردم شده است «همان: ۷۷»
 دستش افتاد و ریخت از او جاننش
 ماهی بخرد برای فرزندانش «همان: ۳۲»

مضامین مذهبی آیینی

مضامین آیینی یکی دیگر از ویژگیهایی است که در پنجاه رباعی از مجموع رباعیات ارژن در دو کتاب تحت بررسی دیده شد. ویژگی سبکی در اشعار آیینی او، تصاویر بکر و زیباست. در مدح حضرت زهرا(س):

«چاهی که به آبی برسد، خود راهیست
 ای مادر آب، چون به خاکت نرسیم
 « انگار گل سفید مریم گم شد
 یک فاطمه(س) بود و یک علی(ع)... فاطمه رفت
 راهی که در آن روشنی دلخواهیست
 هر چشمه برای ما زیارتگاه هست «همان: ۱۳۲»
 یا خاتم بی بدیل خاتم گم شد
 یک مصرع شاه بیت عالم گم شد. «همان: ۱۳۹»

در وصف عاشورا و امام حسین(ع):
 « دنیا چو وفا نمیکند، دین مفروش
 یعنی که شرف به مزد ننگین مفروش

شرمت بادا سرحسین بن علی است خورشید به سکه سفالین مفروش.
(چهل کلید: ۱۵۰)

مضامین عاشقانه

یکی دیگر از ویژگی‌های سبکی ارژن مضامین عاشقانه‌ای است که با حسرت و اندوه و حرمان و بی‌نصیبی همراه است. در غالب رباعیهای عاشقانه او، جدایی حکم نهایی است و خبری از وصال یار نیست. اندوهی سنگین بر اشعار عاشقانه او حاکم است که شاعر در وصف این اندوه، زیباییهای فراوانی آفریده است. نمونه‌هایی از این مضامین عاشقانه در ادامه آورده شده است:

« پاییز شدم از آن بهاری که تویی
بازی قطار بچگیهامان ، آه...
این شاخه به دست نوبهار افتادست
تو دسته گل شب عروسی شده‌ای
« برف آمد و پاییز فراموش شد
انگار نه انگار که با هم بودیم
آواره شدم از آن دیاری که تویی
این کوچه جدا شد از قطاری که تویی» (همان: ۳۲)
آن شاخه ز دست سوگوار افتادست
من تاج‌گلی که بر مزار افتادست» (همان: ۱۲۲)
آن گریه‌یکریز فراموش شد
چه زود همه چیز فراموش شد» (بی‌همشدگان ۲۶)

جدول شماره سه: ویژگی‌های سبکی شعر ارژن

درصد	فراوانی	نوع ویژگی	
۱۸	۴۲	روایتگری	
۱۱	۲۶	حالت تعلیق	هنجارگریزی
۱۲	۳۲	موقوف المعانی	
۴	۱۱	تعلیق و موقوف المعانی	
۱۶	۳۷	مضامین سیاسی	سطح فکری
۲۰	۴۳	مضامین اجتماعی	
۲۱	۵۰	مضامین آیینی	
۲۹	۶۷	مضامین عاشقانه	

در جدول شماره سه از مجموع ۲۳۱ رباعی، برای ویژگیهای سبکی شعر ارژن فراوانی آورده شده است. لازم به توضیح است که در بخش سطح فکری، مضامین دیگری نیز وجود داشت که جز مختصات سبکی به شمار نمیروند.

نیز برخی رباعیات، دارای ویژگیهای دوگانه بودند. مثلاً چند رباعی هم از موضوع اجتماعی و هم سیاسی برخوردار بود. در بخش هنجارگریزی، تعداد رباعیاتی که فقط دارای ویژگیهای هنجارگریزانه بودند، آورده شد. رباعیات باقیمانده، از لحاظ ساختاری معمولی بودند.

نتیجه :

الف: در بررسی رباعی دهه هشتاد، سه صدای منحصر بفرد شنیده میشود. بیژن ارژن، جلیل صفریگی و ایرج زبردست صاحبان این سه صدا هستند. مابقی سرایندگان رباعی در دهه هشتاد، بطور مستقیم یا غیر مستقیم دنباله‌رو یا مقلد سبک این سه شاعر میباشند. در این میان، رباعیات ارژن از لحاظ معیار ادبی، جایگاهی بالاتر از دو شاعر دیگر دارد. ب: از مهمترین ویژگیهای سبکی ارژن، هنجارگریزی از قوانین مرسوم در سرایش رباعی است که این هنجارگریزها در چند دسته جای میگیرند. روایتگری در رباعی، هنجارگریزی در بحث ضربه نهایی از مهمترین هنجارگریزهاست.

ج: هنجارگریزی از ضربه نهایی، در رباعیات ارژن به سه گونه نمود پیدا کرده است:

ج ۱: حالت تعلیق در انتهای رباعی

ج ۲: ابیات به هم پیوسته و موقوف المعانی

ج ۳: تعلیق و موقوف المعانی (ترکیب دو حالت قبل)

د: مضامین سیاسی - انتقادی، مضامین اجتماعی، مضامین آیینی-مذهبی، مضامین عاشقانه از مختصات سبک فکری و درونمایه های اندیشه ای شعر ارژن است که بیان این مضامین با اندوهی زیبا همراه شده است.

ه: تشبیه مهمترین مختصه سبک ادبی رباعیات ارژن است که اکثر تشبیهات، تازه و بکر هستند و خلاقیت در ساخت آنها دیده میشود. به اعتبار حسی یا عقلی بودن تشبیهات، اکثر تشبیهات حسی به حسی هستند. از بعد مفرد یا مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه، اکثر تشبیهات مفرد و مقید هستند.

و: برخی سکنه‌های وزنی از روانی موسیقی رباعیهای او میکاهد.

فهرست منابع :

- ۱- ارژن، بیژن. (۱۳۸۴). بی هم شدگان. تهران: هزاره ققنوس.
- ۲- (۱۳۸۷). چهل کلید. تهران: تکا.
- ۳- (۱۳۸۹). یزد: مصاحبه. در حاشیه نوزدهمین کنگره سراسری شعر دفاع مقدس. (۵ اسفند ۱۳۸۹)
- ۴- انوشه، حسن (۱۳۶۷) فرهنگ نامه ادبی فارسی (گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی)، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- باقری، ساعد و محمدی نیکو، محمدرضا. (۱۳۷۲). شعر امروز. تهران: نشر الهدی.
- ۶- پاشا، ابوالفضل. (۱۳۸۸). مصاحبه با خبرگزاری ایبنا. تاریخ چهارشنبه ۲۲ مهر. (برگرفته از سایت زیر)
- <http://rahyaft.blogspot.com/1388/07/22/post-12>
- ۷- تجلیل، جلیل. (۱۳۸۴). عروض و قافیه. تهران: انتشارات آوای نور.
- ۸- حسن لی، کاووس. (۱۳۸۸). مصاحبه با خبرگزاری ایبنا. (برگرفته از سایت زیر)
- <http://www.ibna.ir/vdcgwz9n.ak9zy4prra.html>
- ۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶) شاعر آینه‌ها، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۰- رازی، شمس قیس. (۱۳۶۰). المعجم فی معاییر الاشعار العجم. به کوشش سیروس شمیسا. تهران: فردوس.
- ۱۱- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲) کلیات سبک‌شناسی. چاپ اول، تهران: فردوس.
- ۱۲- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۴). سیر رباعی. تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۳- عبادیان، محمود. (۱۳۶۸). درآمدی بر سبک و سبک‌شناسی ساختاری. چاپ اول. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۴- غیائی، محمد تقی (۱۳۶۸) درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری، چاپ اول، تهران: انتشارات شعله اندیشه.
- ۱۵- فریدونی، گیتی (۱۳۸۵) بررسی سبک‌شناختی پنج متن مهم عرفانی (ترجمه رساله قشیریه، کشف المحجوب، اسرار التوحید، تذکره الاولیا، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه) پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۱۶- ولک، رنه و وارن، آوستن (۱۳۷۳) نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.